دبیرستاد ملی جمعیت در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

لزوم حمایت از تولد فرزند اول و دوم برای حفظ پایداری جمعیت کشور

بخش مهمی از مشوق ها متوجه فرزند سوم و بالاتر است

گزارش

سمیه افشین فر
گروه اجتماعی

بررسی روندهای جمعیتی کشور نشان می‌دهد که از ابتدای دهه ۶۰ به‌تدریج با کاهش میزان ازدواج مواجه بوده‌ایم. بالاترین میزان ثبت ازدواج مربوط به سال ۱۳۸۹ با بیش از ۸۹۱ هزار ازدواج بوده است، اما پس از آن روندی نزولی آغاز شده و تعداد ازدواج‌ها در سال ۱۴۰۴ به حدود ۴۳۱ هزار مورد رسیده؛ به بیان دیگر، طی این مدت میزان ازدواج در کشور تقریباً ۵۰ درصد کاهش یافته است. در حوزه ولادت نیز شاهد شرایط نگران‌کننده‌ای هستیم. در سال ۱۴۰۴ حدود ۸۹۲ هزار ولادت در کشور ثبت شده است.

ایران در مسیر سالمندی جمعیت قرار دارد و سهم سالمندان در ترکیب جمعیتی کشور با سرعت در حال افزایش است.

مرضیه وحیددستجردی دبیرستاد ملی جمعیت با بیان این مطالب به «ایران» می‌گوید: «در حال حاضر، جمعیت ۶۰ سال و بیشتر، حدود ۱۲٫۶ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، اما اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۳۰ حدود ۳۲ درصد جمعیت ایران سالمند باشند؛ وضعیتی که ایران را به سالمندترین کشور منطقه تبدیل خواهد کرد.» به گفته وحیددستجردی در کنار این مسأله، نرخ باروری کل کشور نیز روندی نزولی دارد. او می‌گوید: «نرخ باروری در سال ۱۴۰۳ حدود ۱٫۴۴ و در سال ۱۴۰۴ حدود ۱٫۳۴ فرزند به ازای هر زن بوده است. این میزان، ایران را در زمره کشورهایی با «باروری بسیار پایین» قرار می‌دهد؛ یعنی کشورهایی که نرخ باروری آنها بین ۱٫۳ تا ۱٫۵ فرزند است. تجربه جهانی نشان می‌دهد هرچه کشورها بیشتر وارد این محدوده شوند، بازگشت به سطح جانشینی جمعیت دشوارتر خواهد شد.»

براساس پیش‌بینی‌های بین‌المللی و مطالعات داخلی، ادامه روند فعلی می‌تواند پیامدهای بسیار سنگینی برای آینده ایران به همراه داشته باشد. دبیرستاد ملی جمعیت می‌گوید: «اگر کشور با همین نرخ باروری پیش برود، طی حدود ۷۵ سال آینده جمعیت ایران ممکن است به حدود ۳۱ میلیون نفر کاهش یابد؛ وضعیتی که در عمل کشور را با بحران شدید جمعیتی و کاهش نقش و هویت در جغرافیای سیاسی جهان مواجه خواهد کرد. در مقابل، اگر بتوانیم نرخ باروری را به حدود ۱٫۹ فرزند برسانیم، جمعیت کشور در دهه‌های آینده حدود ۶۲ میلیون نفر خواهد بود و اگر از سطح جانشینی عبور کنیم، امکان حفظ جمعیتی بیش از ۱۰۰ میلیون نفر نیز وجود دارد.»

دستجردی معتقد است براساس برآوردهای موجود، اگر روند کنونی ادامه پیدا کند، از حدود سال ۱۴۱۹ تعداد مرگ‌ومیر در کشور از تعداد موالید پیشی خواهد گرفت و رشد طبیعی جمعیت منفی می‌شود؛ مسأله‌ای که زنگ خطری جدی برای آینده کشور به شمار می‌رود.

کاهش ۸ درصدی تولد فرزند اول

دبیرستاد ملی جمعیت با بیان اینکه بخش مهمی از مشوق‌های قانون جوانی جمعیت، مانند واگذاری زمین و خودرو و برخی حمایت‌های اقتصادی، به خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر اختصاص دارد به تحلیل روند ولادت می‌پردازد و می‌گوید: «تحلیل روند ولادت براساس «مرتبه فرزند» یکی از شاخص‌های مهم در سیاستگذاری جمعیتی است. آمارها نشان می‌دهد تعداد تولد فرزندان اول از حدود ۳۴۸ هزار مورد در سال ۱۴۰۳ به حدود ۳۲۰ هزار مورد در سال ۱۴۰۴ رسیده و بیش از هشت درصد کاهش داشته است. تولد فرزندان دوم نیز از حدود ۳۵۵ هزار مورد به حدود ۳۱۵ هزار مورد کاهش یافته که افتی بیش از ۱۱ درصد را نشان می‌دهد. در خصوص فرزندان سوم نیز، با اینکه بخش مهمی از مشوق‌های قانون جوانی جمعیت، مانند واگذاری زمین و خودرو و برخی حمایت‌های اقتصادی، به خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر اختصاص دارد، باز هم شاهد روند کاهشی هستیم. تعداد تولد فرزندان سوم از حدود ۱۸۱ هزار مورد در سال ۱۴۰۳ به حدود ۱۶۴ هزار مورد در سال ۱۴۰۴ رسیده و بیش از ۹ درصد کاهش یافته است. (کاهش تعداد و کاهش درصد) این روند نشان می‌دهد که مسأله جمعیت صرفاً با ارائه مشوق‌های محدود اقتصادی حل نخواهد شد و نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امیدآفرین در سطح کلان کشور است.» به گفته دستجردی بررسی آمارهای مربوط به تولد فرزندان چهارم و پنجم نشان می‌دهد که تعداد این موالید در مقایسه با فرزندان اول و دوم بسیار محدود است. او می‌گوید: «در سال ۱۴۰۳ حدود ۵۷ هزار مورد تولد فرزند چهارم ثبت شده و این رقم در سال ۱۴۰۴ به حدود ۵۵ هزار مورد رسیده است. در خصوص فرزندان پنجم و بالاتر نیز با وجود افزایش جزئی در تعداد موالید، این افزایش تأثیر معناداری بر نرخ باروری کل کشور ندارد. این آمارها نشان می‌دهد که سیاستگذاری جمعیتی باید بر واقعیت‌های آماری و روندهای مؤثر تمرکز کند.»

دبیرستاد ملی جمعیت با بیان اینکه تجربه جهانی نیز همین موضوع را تأیید می‌کند، توضیح می‌دهد: «کشورهای اروپایی که نزدیک به نیم قرن زیر سطح جانشینی جمعیت قرار داشته‌اند، بسیار زودتر از ایران سیاست‌های تشویقی افزایش جمعیت را آغاز کرده‌اند و تجربه آنها نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر بر نرخ باروری، مربوط به فرزندان اول و دوم است.» او تأکید می‌کند: «امروز در ایران حدود ۷۲ درصد موالید مربوط به فرزندان اول و دوم، حدود ۱۸ درصد مربوط به فرزند سوم و فقط بخش اندکی مربوط به فرزندان چهارم و بالاتر است. بنابراین اگر هدف، حفظ پایداری جمعیت کشور باشد، اولویت اول باید تسهیل ازدواج و سپس حمایت از تولد فرزند اول و دوم باشد. این در حالی است که بخش مهمی از مشوق‌های موجود بیشتر متوجه فرزند سوم و بالاتر است و خانواده‌های دارای فرزند اول و دوم کمتر از این حمایت‌ها بهره‌مند می‌شوند. زمانی که نرخ باروری کل به زیر ۱٫۵ فرزند می‌رسد، همانند وضعیتی که امروز با آن مواجه هستیم، سهم فرزندان سوم، چهارم و پنجم در تغییر نرخ باروری بسیار محدود می‌شود. از این‌رو، لازم است توزیع مشوق‌ها و حمایت‌های جمعیتی به‌صورت متوازن و عادلانه بازنگری شود.»

تعداد فرزند ایده‌آل از نگاه مردم حدود دو و نیم فرزند

یکی از نکات امیدبخش در مطالعات اجتماعی کشور، فاصله میان «تعداد فرزند ایده‌آل» و «تعداد فرزند واقعی» است. دبیرستاد ملی جمعیت می‌گوید: «براساس پیمایش‌های ملی انجام‌شده، میانگین تعداد فرزند ایده‌آل از نگاه مردم ایران حدود دو و نیم فرزند است؛ یعنی هنوز نگرش عمومی جامعه نسبت به خانواده چندفرزندی از بین نرفته است. اما در عمل، نرخ باروری کشور در حال حاضر به کمتر از یک و نیم فرزند رسیده است. این فاصله نشان می‌دهد که مسأله اصلی، تغییر کامل نگرش مردم نیست، بلکه وجود موانع جدی در مسیر ازدواج و فرزندآوری است.»

دستجردی توضیح می‌دهد: «در همین پیمایش‌ها، جوانان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری را شرایط اقتصادی، حمایت‌ها و تسهیلات رفاهی دولت، نگرانی نسبت به آینده فرزندان و استحکام خانواده عنوان کرده‌اند. حدود ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان، مسائل اقتصادی را مهم‌ترین عامل تصمیم‌گیری برای فرزندآوری دانسته‌اند؛ موضوعی که نشان می‌دهد سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی تا چه اندازه در آینده جمعیتی کشور اثرگذار است.»

دستجردی با بیان اینکه فرهنگ‌سازی؛ حلقه مفقوده سیاست‌های جمعیتی در کشور است، می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین راهبردهای سیاستی در حوزه جمعیت، فرهنگ‌سازی است؛ موضوعی که بدون همراهی نهادهای فرهنگی، رسانه‌ای و هنری تحقق نخواهد یافت. هنر و رسانه توانایی اثرگذاری مستقیم بر ذهن و قلب جامعه را دارند و می‌توانند نقش مهمی در بازتعریف ارزش خانواده و فرزندآوری ایفا کنند. فیلم، سریال، مستند، انیمیشن، بازی‌های رایانه‌ای، مسابقات نمایشی، پویش‌های رسانه‌ای، کتاب و رمان، همگی ابزارهایی هستند که می‌توانند در ترویج فرهنگ خانواده و جوانی جمعیت نقش‌آفرین باشند، اما هنوز از ظرفیت آنها به اندازه کافی استفاده نشده است. در این مسیر، حضور شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی اثرگذار اهمیت ویژه‌ای دارد. نهادهایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجموعه‌های فرهنگی ـ اجتماعی کشور می‌توانند در شکل‌دهی به گفتمان عمومی جمعیت نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کنند.» او یکی دیگر از محورهای مهم در سیاست‌های جمعیتی را ایجاد تعادل میان اشتغال و خانواده مطرح می‌کند و می‌گوید: «بسیاری از خانواده‌ها، بویژه زنان شاغل، به دلیل نبود زیرساخت‌های حمایتی کافی، در فرآیند فرزندآوری با مشکلات جدی مواجه هستند. کمبود و نبود مهدکودک در محیط‌های اداری، هزینه‌های بالای نگهداری کودک، نبود محیط‌های کار دوستدار خانواده و ضعف قوانین حمایتی از زنان و کودکان، از جمله چالش‌های موجود در این حوزه است.» دستجردی با اشاره به تجربه کشورهای موفق در حوزه جمعیت، بویژه کشورهای اسکاندیناوی، می‌گوید: «در کشورهای موفق در حوزه سیاست‌های جمعیتی، از جمله فرانسه و کشورهای اسکاندیناوی، حمایت از خانواده و کودک به‌عنوان یک اولویت ملی دنبال می‌شود. در برخی از این کشورها، هزینه نگهداری کودکان زیر سه سال به‌طور کامل رایگان است و بخش عمده هزینه‌های نگهداری کودکان بالای سه سال نیز توسط دولت پرداخت می‌شود. حتی در کشورهایی مانند روسیه نیز حمایت‌های گسترده‌ای در این حوزه وجود دارد، در حالی که ما همچنان در بسیاری از ادارات با مشکلات جدی در این زمینه مواجه هستیم. تجربه نشان می‌دهد که توسعه خدمات مراقبت از کودک، ایجاد مراکز نگهداری کودک در محیط‌های کاری و کاهش هزینه‌های نگهداری کودکان، نقش مؤثری در افزایش نرخ باروری داشته است. همچنین اجرای کامل مرخصی زایمان مادران و مرخصی والدین، امکان دورکاری برای مادران باردار و دارای فرزند، کاهش ساعت کاری مادران، ساعت شیردهی، حق اولاد و سایر مزایای حمایتی، همگی از جمله اقداماتی است که می‌تواند بخشی از نگرانی خانواده‌ها را کاهش دهد.»

به گفته دستجردی، براساس قوانین موجود، پدران نیز باید از ۱۴ روز مرخصی همزمان با تولد فرزند برخوردار باشند، اما در عمل بسیاری از دستگاه‌ها این حق قانونی را اجرا نمی‌کنند. او می‌گوید: «در بسیاری از مراجعات و دیدارهایی که با کارکنان دستگاه‌های مختلف انجام شده، نارضایتی مادران شاغل نسبت به ضعف حمایت‌های معیشتی و رفاهی کاملاً مشهود است. مسأله جمعیت تنها با شعار حل نمی‌شود و نیازمند حمایت جدی و همه‌جانبه از خانواده، زن و کودک است.» به گفته دبیرستاد ملی جمعیت؛ توسعه خوابگاه‌های متأهلی دانشجویی، ایجاد مهدکودک‌های دانشجویی و تأمین مسکن برای زوج‌های جوان، از دیگر الزامات سیاست‌های جمعیتی است. اگر قرار است جوانان به تشکیل خانواده و فرزندآوری تشویق شوند، باید زیرساخت‌های لازم برای یک زندگی پایدار نیز فراهم شود. در کنار این موارد، استفاده از ظرفیت‌های محله‌محور و مسجدمحور- که مورد تأکید رئیس جمهوری نیز قرار دارد- می‌تواند نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی و حمایت از خانواده‌ها ایفا کند. همچنین دستگاه‌ها باید از اقدامات خلاقانه و ابتکاری در حوزه جمعیت حمایت کنند. مثلاً وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت روز ملی جمعیت، امکان استفاده رایگان خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر را از سینماها فراهم کرد؛ بنابراین اقداماتی از این دست می‌تواند در فرهنگ‌سازی و ایجاد حس ارزشمندی برای خانواده‌ها مؤثر باشد.

در یکی از بررسی‌های انجام‌شده در استان کرمان که با همکاری استانداری و دانشگاه علوم پزشکی کرمان انجام شد، از ۱۶۲۵ نفر از زنان شاغل درباره مشکلات محیط کار در زمینه ازدواج و فرزندآوری پرسش شد. نتایج نشان داد ۹۲ درصد از آنان از نبود حمایت‌های لازم، بویژه در زمینه تأمین مهدکودک و همکاری دستگاه‌ها، ناراضی و بسیار ناراضی هستند. نمونه‌های مشابهی از این گلایه‌ها در دستگاه‌های مختلف کشور وجود دارد. برای همین موضوع مهدکودک‌ها، اتاق مادر و کودک و حمایت‌های مرتبط با مادران شاغل، خیلی جدی در دستور کار ستاد ملی جمعیت قرار گرفته است. دستجردی با اشاره به پیام مهم رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت روز ملی جمعیت، می‌گوید: «این پیام بار دیگر اهمیت راهبردی مسأله جمعیت و فرزندآوری را برای آینده کشور مورد تأکید قرار داد. بی‌تردید توجه مستمر ایشان به موضوع جمعیت، نشان‌دهنده جایگاه حیاتی این مسأله در امنیت، پیشرفت و اقتدار ملی است. امیدواریم بتوانیم با عمل به رهنمودها و منویات ایشان، در مسیر اصلاح روندهای جمعیتی کشور گام برداریم و زمینه‌ساز آینده‌ای پویا، جوان و امیدوار برای ایران باشیم.» امیدواریم با تداوم این همکاری‌ها و با تقویت سیاست‌های مؤثر در حوزه خانواده و جمعیت، بتوانیم زمینه افزایش فرزندآوری، پایداری جمعیت و آینده‌ای امیدوارکننده‌تر برای کشور را فراهم کنیم.

> براساس پیمایش‌های ملی انجام‌شده، میانگین تعداد فرزند ایده‌آل از نگاه مردم ایران حدود دو و نیم فرزند است؛ یعنی هنوز نگرش عمومی جامعه نسبت به خانواده چندفرزندی از بین نرفته است

برش

کارت امید مادر؛ نمونه‌ای از حمایت پایدار از فرزندآوری

دبیرستاد ملی جمعیت با بیان اینکه یکی از اقدامات مهم انجام‌شده در حوزه حمایت از خانواده، اجرای برنامه «کارت امید مادر» است، می‌گوید: «این برنامه به دستور رئیس‌جمهوری و در راستای اجرای سیاست‌های کلی جمعیت طراحی شده است. تمامی مادرانی که از ابتدای سال ۱۴۰۵ صاحب فرزند شوند، به مدت ۲۴ ماه مبلغ دو میلیون تومان اعتبار دریافت خواهند کرد تا بخشی از هزینه‌های ضروری کودک، از جمله خوراک، پوشاک و ملزومات مورد نیاز، تأمین شود. خوشبختانه با همکاری سازمان برنامه و بودجه و خزانه‌داری کل کشور، تأمین منابع این برنامه انجام شد و فقط در فروردین‌ماه ۱۴۰۵، بیش از ۶۱ هزار مادر مشمول این حمایت شده‌اند.» به گفته دستجردی، استقبال گسترده خانواده‌ها از «کارت امید مادر» نیز نشان داد که چنین حمایت‌هایی تا چه اندازه مورد نیاز جامعه است. با این اوصاف مسأله جمعیت نیازمند سیاست‌های پایدار، عمیق و اثرگذار است و نمی‌توان آن را صرفاً با اقدامات کوتاه‌مدت حل کرد. عبور از وضعیت فعلی، نیازمند همراهی همه دستگاه‌ها، نهادهای فرهنگی، رسانه‌ها و فعالان اجتماعی است.

رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت در گفت‌وگو با «ایران»:

سال گذشته ۵ درصد افزایش باروری نکاحی داشتیم

گزارش

محدثه جعفری
گروه اجتماعی

استان گیلان وارد سیاهچاله شده است. یعنی به ازای هر فردی که در این استان فوت می‌شود، حتی یک تولد هم نداریم. کارشناسان معتقدند، در جوامعی که نرخ باروری کلی زیر ۱٫۵ باشد، ظرف ۶۵ سال جمعیت آنها نصف می‌شود و این تغییرات چالشی جدی برای آینده اقتصادی و اجتماعی هر کشوری است. در چندسال گذشته هر ساله بین ۵ تا ۸ درصد کاهش موالید را در کشور شاهد بودیم. رضا سعیدی، رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت با بیان اینکه موضوع کاهش تولدها در کشور به بحران تبدیل شده است، به «ایران» می‌گوید: «در چند سال گذشته به‌رغم قوانین حمایتی روند تولدها در کشور بشدت کاهش پیدا کرده است. زمانی که ولادت‌ها کاهش و مرگ‌ها افزایش پیدا کند و به ازای هر فردی که در کشور فوت می‌کند، یک نفر متولد شود، رشد جمعیت به نقطه صفر می‌رسد وزمانی که ولادت‌ها آنقدر کاهش پیدا کند که مرگ‌ها بیشتر از ولادت باشد، رشد جمعیت منفی می‌شود. به زبان ساده به ازای هر یک نفری که در سال ۱۴۰۴ فوت شده، دو نفر متولد شده است، پس هنوز رشد جمعیت ایران مثبت ارزیابی می‌شود.»

سعیدی با اشاره به اینکه در بعضی از استان‌های کشور آمار فوتی‌ها بیشتر از تولدهاست، می‌گوید: «سال گذشته در استان گیلان به ازای هر ۱۰ نفری که فوت شدند، فقط ۹ تولد داشتیم به این ترتیب در این استان رشد جمعیت منفی است و اگر با همین روال پیش رود، جمعیت استان کاهشی می‌شود. البته معضل کاهش تولدها فقط برای ایران نیست و کشورهایی مثل ایتالیا یا ژاپن هم درگیر کاهش آمار تولدها هستند و تعداد مرگ‌های آنها از تعداد تولدهای‌شان بیشتر بوده است.»

او با بیان اینکه ایران هم اگر با همین رویه ادامه دهد، حدود دو دهه آینده رشد جمعیت صفر و بعد از آن منفی می‌شود، توضیح می‌دهد: «جمعیت‌شناسان می‌گویند، اگر نرخ باروری کل، یعنی (TFR) زیر ۱٫۵ باشد و بالاتر نرود، ظرف ۶۵ سال جمعیت یک کشور به نصف کاهش پیدا می‌کند. حدود چهاردهه گذشته شاخص زاد و ولد درکشور بین ۶٫۵ تا ۷ بود، یعنی آن دوران به ازای هر خانم، بیش از ۶ فرزند متولد می‌شد، اما در حال حاضر نرخ باروری در ایران به ازای هر خانم طی سال گذشته روی ۱٫۳۵ قرار گرفته، این درحالی است که سطح جانشینی در ایران، حدود ۲٫۱ است اما هدفگذاری ما برای ۲٫۵ است. یعنی به ازای هر خانم ۲٫۵ تولد باید داشته باشیم. این رقم درحالی مطرح می‌شود که هر ساله حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار ولادت در کشور کاهش پیدا می‌کند. درحال حاضر، سالانه حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت کشور اضافه می‌شود اما به تدریج جامعه پیر می‌شود و تعداد ولادت‌ها کاهش و مرگ و میرها افزایش می‌یابد. طبق پیش‌بینی‌های انجام شده تا دو دهه آینده یعنی حدود سال ۱۴۲۰ تا ۱۴۲۵ رشد جمعیت کشور به صفر خواهد رسید. البته تا آن زمان رشد جمعیت کشور مثبت است و جمعیت حدود ۸۷ میلیون ایرانی، به حدود ۹۳ میلیون نفر می‌رسد. اگر با همین روند حرکت کنیم تا حدود دو دهه آینده اول رشد جمعیت صفر می‌شود و بعد منفی و در نهایت کاهش جمعیت کشور و سالمندی جمعیت را تجربه می‌کنیم.»

بهترین وضعیت تولد برای سیستان خراسان و خوزستان است

او درباره میزان تولد در استان‌های مختلف کشور توضیح می‌دهد: «در حال حاضر بهترین وضعیت زاد و ولد در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خوزستان است به طوری که در سیستان و بلوچستان نرخ خام ولادت‌ها (هر تولد به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت) ۲۵ تولد به ازای هر یکهزار نفر جمعیت است و بدترین شرایط متعلق به استان‌های گیلان، مازندران، البرز، مرکزی و تهران است. استان سیستان بلوچستان درسال ۱۴۰۳ با نرخ باروری حدود ۲٫۸ به ازای هر زن بیشترین وضعیت باروری را دارد. این درحالی است که گیلان بدترین وضعیت TFR را تجربه می‌کند، چون به ازای هر زن در سن باروری، ۰٫۸ فرزند در این استان متولد می‌شود.»

نیمی از کشورهای دنیا درگیر جوانی جمعیت هستند

موضوع کاهش زاد و ولد و سیاست‌های جمعیتی بیش از نیم قرن است که در کشورهای مختلف اتفاق افتاده است. در دوره‌ای سیاست‌های کنترلی شکل گرفت تا جمعیت کشورها تثبیت و موجب پیشرفت آنها شوند و توسعه پیدا کنند، رئیس مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت با بیان این موضوع توضیح می‌دهد: «این سیاست تا جایی ادامه داشت که متوجه سالخوردگی جمعیت شدند و بعد از آن سیاست تشویقی و افزایش جمعیت را پیش گرفتند. در حال حاضر حدود ۷۰ الی ۸۰ کشور دنیا به سمت افزایش مشوق‌ها برای زادو ولد رفته‌اند، با این اوصاف، بسیاری از کشورها چند دهه قبل از ما متوجه بحث چالش جمعیت‌شان شدند و تلاش کردند روند منفی ولادت‌ها را اصلاح کنند. براساس آمارهای موجود، تاکنون هیچ کشوری نتوانسته با وجود پیاده‌سازی سیاست‌های تشویقی براین معضل جهانی غلبه کند. در کشورهایی مثل فرانسه، سوئد، لهستان، آلمان، ژاپن و کره جنوبی مدت‌هاست که برای افزایش زاد و ولد سیاست‌های تشویقی را پیش گرفته‌اند اما به طور کلی هیچ یک از سیاست‌های تشویقی کشورها در زمینه افزایش تعداد موالید موفق نبوده است. از کشورهایی که داخل چاله جمعیتی رفتند، فرانسه و سوئد موفق‌تر بودند چون توانسته‌اند سرعت سالمندی را کاهش بدهند و مقداری نرخ باروری کلی را بالا ببرند. بسیاری از این کشورها به سمت مهاجرپذیری رفتند تا کمبود نیروی جوان را جبران کنند. جریان کلی دنیا روی کاهش تعداد زاد و ولد شکل گرفته است، چون کاهش موالید بعد فرهنگی پیدا کرده است. سبک زندگی در جهان تغییر کرده است، افراد نسبت به آینده فرزندشان سختگیرتر هستند، یعنی اگر یک فرزند دارند می‌خواهند او را به شکل ایده‌آل بزرگ کنند، به همین دلیل روی چندفرزندی حساب نمی‌کنند. حتی جوانان که دغدغه خاصی ندارند و در بهترین کشورها زندگی می‌کنند و درآمد و شغل خوبی هم دارند، ترجیح می‌دهند ازدواج نکنند.»

> درحال حاضر، سالانه حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت کشور اضافه می‌شود اما به تدریج جامعه پیر می‌شود و تعداد ولادت‌ها کاهش و مرگ و میرها افزایش می‌یابد. طبق پیش‌بینی‌های انجام شده تا دو دهه آینده یعنی حدود سال ۱۴۲۰ تا ۱۴۲۵ رشد جمعیت کشور به صفر خواهد رسید

نرخ فرزندآوری کشور ۲٫۸ فرزند به ازای هر زن متأهل

با شعار دادن فرزندآوری بیشتر نمی‌شود. او با بیان این موضوع می‌گوید: «اگر همه گزینه‌ها ازجمله حمایت‌های اقتصادی، قانون، فرهنگی و بهداشت را روی یک میز قرار دهید، همه کشورها در این موضوعات ورود کرده‌اند. بعضی از کشورها بیشتر مباحث قانونی را تقویت کرده‌اند، یکسری از کشورها هم روی بعد اقتصادی خانوار مانور داده‌اند. اما علت کاهش فرزندآوری از این چهاردسته خارج نیست. به طور مشترک اکثر کشورها مشوق‌های مالی را برای تشویق به فرزندآوری و ازدواج پیش گرفته‌اند چون یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش ازدواج و کاهش فرزندآوری همین مباحث اقتصادی است. با این اوصاف، ماشین جمعیت با چهار چرخ حرکت می‌کند که برای رسیدن به مقصد باید هر چهار چرخ همزمان با هم دیده شود و فقط رسیدگی به یک گزینه تأثیر نخواهد گذاشت. در ایران هم این چهار گزینه دیده شده از دادن ماشین، زمین، کارت امیدمادران گرفته تا مباحث قانونی که برای مرخصی زایمان و.... در قانون دیده شده است. آنجایی که تفاوت ما با سایر کشورها در بحث فرزندآوری است، موضوع ازدواج است.»

سعیدی توضیح می‌دهد: «به رغم اینکه می‌گویم در آستانه سیاهچاله جمعیتی قرار داریم و میزان زاد و ولد کلی کشور به نسبت زنان در سنین باروری کاهش پیدا کرده، اما اگر میزان تعداد موالید را بر حسب میزان زوج‌های متأهل جامعه ببینیم، نرخ خوبی داریم. چون ۲٫۸ فرزند به ازای هر زن متأهل در سال ۱۴۰۴ متولد شده است. یعنی نرخ فرزندآوری زنان متأهل بالای ۲٫۵ فرزند است. زمانی که نرخ باروری را در تمام زنان کشور اعم از متأهل و مجرد بررسی می‌کنیم، میزان زاد و ولد به حدود ۱٫۳۵ می‌رسد اما در جامعه ایرانی قرار نیست زنان مجرد فرزندآوری داشته باشند. به همین دلیل باید به غیر از مسیر فرزندآوری به مسیری که قرار است فرزندآوری از آن ایجاد شود هم پرداخته شود که در ایران توجه به امر ازدواج جوانان است تا زمانی که جوانان ازدواج نکنند، نرخ فرزندآوری هم کاهش پیدا می‌کند.»

TFR (نرخ فرزندآوری) ما کاهشی است. یعنی زمانی در دهه ۶۰، شش فرزند به ازای هر خانم داشتیم، در حال حاضر یک و نیم فرزند به ازای هر خانم در سن فرزندآوری داریم. به گفته دکتر سعیدی، براساس آمارهای ثبت احوال در یک دهه گذشته نرخ باروری نکاحی (NFR) بالای ۲٫۵ بوده است. یعنی اگر سال‌های ۸۵ تا ۹۵ را محاسبه کنید، نرخ NFR کشور خیلی تغییری پیدا نکرده است. سال ۱۳۹۹ مرکز پژوهش‌های مجلس آمار داد، نرخ باروری میان زنان متأهل ۲٫۴ است و این درحالی است که نرخ جایگزینی کشور ۲٫۱ است با این اوصاف، شرایط مناسبی در تولد فرزندآوری میان زوجین متأهل داریم. سال ۱۴۰۴ وزارت بهداشت از ثبت احوال درخواست کرد مجدداً این آمار را برای ما دربیاورد، براساس نتایج به دست آمده، نرخ باروری در سال گذشته ۲٫۵۲ بوده است. یعنی حدود ۵ درصد افزایش باروری نکاحی داشتیم که نشان می‌دهد، خانم‌هایی که ازدواج کرده‌اند رفتار فرزندآوری‌شان تغییر نکرده است اما تعداد خانم‌های مجرد ما افزایش پیدا کرده است. در نتیجه مشکل ما در جامعه ایرانی ازدواج جوانان است.

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان در گفت‌وگو با «ایران» تأکید کرد

تلاش حداکثری برای کاهش موانع ساختاری

گفت‌وگو

مرجان قندی
گروه اجتماعی

ازدواج، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و سرنوشت‌سازترین تصمیمات هر فرد، همواره در تقاطعی میان متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. در شرایطی که هزینه‌های جاری تشکیل زندگی از تشریفات عقد و عروسی گرفته تا تأمین زیرساخت‌های سکونت مانعی جدی بر سر راه جوانان ایجاد کرده، فشارهای اجتماعی و انتظارات خانواده‌ها هم این فرآیند را به کلافی سردرگم تبدیل کرده است. در این میان، تفاوت‌های فرهنگی، قومیتی و مذهبی، در کنار تفاوت در نگرش به نقش‌های جنسیتی، تعریف جامعه از تعهد به ازدواج را دستخوش تغییرات بنیادین کرده است. واکاوی این موانع ساختاری، بدون نگاه به آمارها، ناقص است. طبق آمارهای اعلام شده معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان، اگرچه روند ازدواج از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۹ سیری صعودی داشت و در سال ۸۹ با ثبت بیش از ۸۹۱ هزار و ۶۲۷ واقعه به نقطه اوج خود رسید، اما از آن زمان به بعد، وارد مسیری نزولی و مستمر شده؛ به‌گونه‌ای که آمار ازدواج تا سال ۱۴۰۴ به حدود ۴۳۰ هزار و ۷۵۶ واقعه تقلیل یافته است. در سوی دیگر این میدان، روند طلاق طی دهه‌های اخیر صعودی بوده و در سال ۱۴۰۱ به بیشترین حد خود یعنی ۲۰۴ هزار و ۳۰۱ واقعه رسیده است؛ آماری که اگرچه در سال‌های اخیر به دلیل کوچک‌تر شدن جمعیت در سن ازدواج و کاهش موالید دهه‌های گذشته، با افت نسبی همراه بوده، اما همچنان زنگ خطری برای سیاستگذاری‌های کلان محسوب می‌شود.

علیرضا رحیمی، معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان، درباره آخرین وضعیت ازدواج جوانان در کشور می‌گوید: «در سال ۱۴۰۴، هم تعداد ازدواج و هم تعداد طلاق با کاهش مواجه بوده است. در این سال ۴۳۰ هزار و ۷۵۶ واقعه ازدواج ثبت شد؛ در حالی که این تعداد در سال ۱۴۰۳، ۴۷۲ هزار و ۵۱۴ واقعه بود و به این ترتیب، حدود ۸.۸ درصد کاهش در تعداد ازدواج‌های ثبت شده رخ داده است. همچنین تعداد طلاق‌های ثبت شده در سال ۱۴۰۴، ۱۷۹ هزار و ۹۱۷ واقعه بود که در مقایسه با ۱۹۷ هزار و ۹۰ واقعه ثبت شده در سال ۱۴۰۳، حدود ۸.۷ درصد کاهش داشته است.»

او تأکید می‌کند: «برای محاسبه دقیق وضعیت ازدواج و طلاق، نمی‌توان فقط به آمار خام اکتفا کرد و برای تحلیل عمیق‌تر، باید این اعداد به نرخ‌های محاسباتی استاندارد تبدیل شوند. برای مثال، در حوزه ازدواج باید نسبت ازدواج‌های رخ داده به تعداد زنان مجرد در معرض ازدواج محاسبه شود.»

رحیمی توضیح می‌دهد: «بخشی از تغییرات مشاهده شده، به تحولات ساختار جمعیتی کشور بازمی‌گردد و بخش دیگر ناشی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین سیاستگذاری در حوزه ازدواج باید بر پایه تحلیل همزمان شاخص‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی انجام شود و نباید صرفاً بر تعداد وقایع ثبتی تکیه داشته باشد.»

او می‌گوید: «نرخ ازدواج به ازای هر ۱۰۰ زن مجرد، از ۳۵.۴ در سال ۱۴۰۱ به ۱۶.۳ در سال ۱۴۰۴ کاهش یافته؛ این در حالی است که جمعیت زنان در معرض ازدواج با رشدی نزدیک به یک میلیون نفر، از ۱۲ میلیون و ۶۲۸ هزار نفر به ۱۳ میلیون و ۶۲۷ هزار نفر رسیده و این وضعیت حامل یک پیام هشدار و نشان‌دهنده افزایش ذخیره تجرد در کشور است.»

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان با بیان اینکه کشور با یک شکاف جمعیتی و اجتماعی مواجه است، می‌گوید: «رشد جمعیت مجردان نشان‌دهنده ورود متولدین اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ به سن ازدواج است؛ اما کاهش نرخ ازدواج نشان می‌دهد پنجره فرصت ازدواج به دلیل موانع ساختاری، بویژه مشکلات مسکن و بی‌ثباتی شغلی در حال بسته شدن است.»

رحیمی با بیان اینکه افزایش جمعیت زنان مجرد در معرض ازدواج، همزمان با کاهش تعداد مطلق ازدواج‌ها، نشان‌دهنده تأخیر ارادی در ازدواج است، می‌گوید: «در فاصله سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴، تعداد زنان در معرض ازدواج به نزدیک یک میلیون نفر افزایش یافت و از ۱۲ میلیون و ۶۲۸ هزار و ۶۵۶ نفر به ۱۳ میلیون و ۶۲۷ هزار و ۵۹۴ نفر رسید؛ اما در همین بازه، تعداد ازدواج‌های ثبت شده از ۴۷۲ هزار و ۵۱۴ مورد به ۴۳۰ هزار و ۷۵۶ مورد کاهش پیدا کرد.»

او توضیح می‌دهد: «این شکاف نشان می‌دهد مسأله فقط کاهش جمعیت جوان نیست؛ در حقیقت تحقق ازدواج در میان جمعیت آماده ازدواج هم کاهش یافته است. عوامل اقتصادی مانند مسکن، اشتغال و تورم، در کنار تغییر نگرش‌های فرهنگی و افزایش سطح تحصیلات زنان، از جمله عواملی هستند که به تأخیر در ازدواج و کاهش تمایل به ازدواج زودهنگام منجر شده‌اند.»

رحیمی می‌گوید: «در سال ۱۴۰۴ تعداد افراد مجرد در معرض ازدواج با رشد ۹۹۸ هزار و ۹۳۹ نفری نسبت به سال ۱۴۰۳، به ۱۳ میلیون و ۶۲۷ هزار و ۵۹۴ نفر رسید؛ با این حال تعداد ازدواج‌های ثبت شده در همین مدت به ۴۱ هزار و ۷۵۸ مورد کاهش یافت. این روند ضرورت بازنگری و آسیب‌شناسی جدی سیاست‌های جمعیتی و حمایتی در حوزه ازدواج را نشان می‌دهد.»

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان با اشاره به جزئیات تغییرات سنی در آمار ازدواج می‌گوید: «تحلیل‌ها نشان می‌دهد کاهش میزان ازدواج در گروه‌های سنی کمتر از ۲۰ سال و بازه ۲۰ تا ۲۴ سال بسیار چشمگیرتر بوده است. در مقابل، سهم ازدواج در گروه‌های سنی ۳۰ سال و بالاتر با اندکی افزایش همراه شده که این موضوع نشان‌دهنده بالا رفتن سن ازدواج در جامعه است.»

میانگین سن اولین ازدواج در کشور

رحیمی درباره میانگین سن اولین ازدواج در کشور می‌گوید: «براساس آخرین آمارهای رسمی، میانگین سن اولین ازدواج در کشور برای مردان به حدود ۲۸ سال و برای زنان به ۲۴ سال رسیده است. عواملی مثل طولانی شدن دوران تحصیل، دشواری در دسترسی به مسکن، بی‌ثباتی در بازار کار، کاهش قدرت خرید و تغییر الگوهای فرهنگی، در کنار افزایش انتظارات جوانان برای دستیابی به حداقل‌های اقتصادی پیش از تشکیل خانواده، از مهم‌ترین دلایل این افزایش سن محسوب می‌شوند.»

او تأکید می‌کند: «با توجه به تداوم روند کاهشی تعداد ازدواج‌ها، ضرورت تقویت سیاست‌های حمایتی، ارائه آموزش‌های پیش از ازدواج، تسهیل در اشتغال و مسکن جوانان و همچنین توسعه خدمات مشاوره، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.»

ثبت بیشترین نرخ ازدواج در سه استان

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان با اشاره به کاهش نرخ ازدواج در استان‌های مختلف می‌گوید: «یافته‌ها نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴، نرخ ازدواج در همه استان‌ها و همچنین در کل کشور به شکل قابل توجهی کاهش یافته؛ موضوعی که بسیار قابل تأمل است و به آسیب‌شناسی جدی نیاز دارد.»

رحیمی به تفاوت‌های استانی اشاره می‌کند و می‌گوید: «برای تحلیل صحیح وضعیت استان‌ها، نباید فقط به آمار خام و تعداد مطلق ازدواج‌ها اکتفا کرد؛ چراکه استان‌های پرجمعیت به‌طور طبیعی آمار بالاتری دارند. ملاک دقیق، محاسبه نرخ ازدواج نسبت به جمعیت در معرض ازدواج (زنان ۱۳ سال به بالای بدون همسر) در هر استان است.» او با تشریح وضعیت جغرافیایی ازدواج در سال ۱۴۰۳ می‌گوید: «براساس این شاخص، استان‌های کردستان، خراسان جنوبی وآذربایجان غربی بیشترین نرخ ازدواج را به خود اختصاص داده‌اند و در مقابل، تهران، البرز و سمنان کمترین میزان نرخ ازدواج را ثبت کرده‌اند.»

رحیمی توضیح می‌دهد: «توزیع جغرافیایی نشان می‌دهد به‌طور کلی استان‌های مرکزنشین (در امتداد شمال تا جنوب کشور، به استثنای قم) وضعیت نامساعدتری نسبت به استان‌های شرقی و غربی دارند؛ ضمن اینکه ایلام تنها استان در غرب کشور است که وضعیتی مشابه استان‌های مرکزنشین دارد و در حوزه ازدواج با چالش مواجه است.»

تراکم در صف وام ازدواج

رحیمی درباره آخرین وضعیت پرداخت وام ازدواج در سال ۱۴۰۵ می‌گوید: «در سه ماهه اول سال جاری، در مجموع ۱۳۹ هزار و ۵۰۵ فقره وام ازدواج پرداخت شده است؛ اما برخلاف تلاش‌های بانک مرکزی برای کاهش صف انتظار، همچنان ۵۵۶ هزار و ۷۲۵ نفر در صف دریافت این تسهیلات باقی مانده‌اند. به عبارت دیگر، ۲۰ درصد از کل متقاضیان در فصل اول سال موفق به دریافت وام شده‌اند.»

او درباره عملکرد استانی بانک‌ها توضیح می‌دهد: «در بررسی عملکرد استان‌ها، تفاوت‌های فاحشی دیده نمی‌شود، اما با این حال استان‌های گیلان، اصفهان و تهران بهترین عملکرد و استان‌های خوزستان، آذربایجان غربی و خراسان رضوی ضعیف‌ترین عملکرد را در پرداخت تسهیلات داشته‌اند.»

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان با نقد عملکرد برخی بانک‌های عامل می‌گوید: «بر اساس آمارها، بانک‌های سرمایه، ملل و رسالت بدترین عملکرد را داشته‌اند؛ به‌طوری که بین ۹۰ تا ۱۰۰ درصد افراد معرفی شده به این بانک‌ها همچنان در صف انتظار مانده‌اند. در مقابل، بانک‌های ایران‌زمین، توسعه صادرات و گردشگری، کمترین درصد افراد در صف را دارند، هرچند باید توجه داشت تعداد متقاضیان معرفی شده به این بانک‌ها نیز بسیار کمتر از سایرین بوده است.» رحیمی می‌گوید: «در حال حاضر تعداد افراد حاضر در صف، بیش از توان پرداخت سالانه بانک‌هاست و این مسأله میانگین زمان انتظار را به بیش از یک سال افزایش داده است. این تأخیر فقط یک موضوع اقتصادی نیست و تبعات اجتماعی گسترده‌ای دارد؛ چون محروم شدن جوانان از این حمایت در زمان مناسب، می‌تواند باعث تأخیر در آغاز زندگی مشترک و تضعیف اعتماد عمومی به سیاست‌های حمایتی دولت شود.»

او در تحلیل موانع موجود می‌گوید: «اگرچه بانک مرکزی فراتر از سهمیه مصوب عمل کرده، اما عواملی مثل تحریم‌ها، کاهش سپرده‌های قرض‌الحسنه و افزایش تعداد ثبت‌نام‌کنندگان از سال‌های قبل، فشار را بر سیستم بانکی زیاد کرده است. با این حال، گزارش‌های نهادهای نظارتی نشان می‌دهد برخی بانک‌های عامل، بویژه در استان‌های با عملکرد پایین، منابع موجود را به‌درستی تخصیص نمی‌دهند. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که تا پایان شهریور ۱۴۰۴، ۲۲ بانک، رقمی حدود ۲۶۶ هزار میلیارد تومان تسهیلات به اشخاص مرتبط و زیرمجموعه‌های خود پرداخت کرده‌اند؛ این در حالی است که کل تسهیلات قرض‌الحسنه فقط ۲ درصد از کل تسهیلات بانکی را شامل می‌شود. جالب اینجاست که تسهیلات ازدواج کمترین نرخ نکول و بیشترین بازپرداخت اقساط را در شبکه بانکی دارد و با مدیریت صحیح منابع و نظارت دقیق بانک مرکزی، به‌راحتی قابل ساماندهی است.»

تغییر رویکرد از تبلیغ صرف به توانمندسازی

رحیمی درباره اقدامات فرهنگی معاونت امور جوانان برای تغییر نگرش جامعه نسبت به ازدواج آسان می‌گوید: «معاونت امور جوانان رویکرد خود را از تبلیغ صرف ازدواج به سمت توانمندسازی جوانان برای انتخاب آگاهانه و ازدواج پایدار تغییر داده است. در همین راستا، توسعه آموزش‌های پیش از ازدواج، حمایت از مراکز همسان‌گزینی دارای مجوز، تولید محتوای آموزشی در فضای مجازی و اجرای پویش‌های ملی ترویج ازدواج آسان در دستور کار قرار گرفته است.»

او با اشاره به استفاده از ظرفیت نهادهای مختلف می‌گوید: «ما در این مسیر، همکاری نزدیکی با رسانه ملی، سازمان‌های مردم‌نهاد، دانشگاه‌ها و مساجد داریم و تلاش می‌کنیم الگوی ازدواج ساده، مسئولانه و مبتنی بر مهارت را جایگزین فرهنگ ازدواج‌های پرهزینه و تشریفاتی کنیم؛ چراکه معتقدیم ازدواج موفق بیش از هر چیز به مهارت و شناخت نیاز دارد.»

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان از گسترش زیرساخت‌های مشاوره‌ای خبر می‌دهد و می‌گوید: «امروز شبکه‌ای گسترده متشکل از یک‌هزار و ۷۵۹ مرکز تخصصی مشاوره ازدواج و خانواده در کنار ۱۵۷ مرکز همسان‌گزینی دارای مجوز معتبر در سراسر کشور فعال هستند که در کنار برنامه‌های فرهنگی، به‌صورت تخصصی خدمات آموزشی و مشاوره‌ای را به جوانان ارائه می‌دهند.»

آموزش پیش از ازدواج گامی برای پایداری زندگی مشترک

رحیمی درباره برنامه‌های این معاونت برای آموزش مهارت‌های همسرداری، گفت‌وگو و حل تعارض پیش از ازدواج می‌گوید: «آموزش پیش از ازدواج یکی از مأموریت‌های اصلی و محوری معاونت امور جوانان است که به صورت مستمر و از طریق شبکه مراکز تخصصی مشاوره ازدواج و خانواده در سراسر کشور اجرا می‌شود.»

او با ارائه آمار عملکرد دو سال اخیر می‌پردازد و می‌گوید: «در سال ۱۴۰۳ تعداد ۱۱ هزار و ۴۴۵ کارگاه آموزشی با مشارکت ۲۵۸ هزار و ۵۱۷ نفر از جوانان برگزار شد و در سال ۱۴۰۴ نیز ۱۱ هزار و ۵۱۶ کارگاه با حضور ۲۵۹ هزار و ۶۲۸ نفر تدارک دیده شد؛ بنابراین در مجموع طی دو سال گذشته، ۲۲ هزار و ۹۶۱ کارگاه آموزشی با مشارکت ۵۱۸ هزار و ۱۴۵ نفر از جوانان در سراسر کشور به اجرا درآمده است.»

رحیمی در تشریح سرفصل‌های این دوره‌های آموزشی می‌گوید: «هدف ما توانمندسازی واقعی زوجین است، به همین دلیل سرفصل‌های این کارگاه‌ها بسیار متنوع و کاربردی طراحی شده‌اند. از جمله موضوعات مورد بحث می‌توان به مهارت‌های انتخاب همسر، شناخت شخصیت و تفاوت‌های فردی، مهارت‌های گفت‌وگوی مؤثر، مدیریت تعارض و حل اختلاف، مدیریت هیجان و خشم، سواد رسانه‌ای و مدیریت فضای مجازی در خانواده، حقوق و مسئولیت‌های زوجین، مدیریت اقتصادی خانواده، سلامت روان و سلامت جنسی و در نهایت فرزندپروری و تحکیم خانواده اشاره کرد.»

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان تأکید می‌کند: «با ارائه این آموزش‌ها، جوانان با آمادگی ذهنی و مهارت بالاتری وارد زندگی مشترک می‌شوند که این امر نقش بسزایی در کاهش تعارضات و افزایش پایداری ازدواج‌ها خواهد داشت.» او درباره برنامه‌های آتی برای توقف روند نزولی ازدواج، از یک نقشه راه چندبعدی رونمایی می‌کند. رحیمی این برنامه را بر محورهای توسعه خدمات مشاوره‌ای و مهارتی در استان‌ها، تسهیل دسترسی به مراکز همسان‌گزینی، تقویت همکاری‌های بین‌بخشی با سمن‌ها، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها و سیاستگذاری مبتنی بر داده متمرکز می‌داند.

به گفته رحیمی، هدفگذاری معاونت این است که در طول سال‌های اجرای برنامه هفتم توسعه، دسترسی جوانان به خدمات آموزشی و مشاوره‌ای به شکلی معنادار افزایش یابد تا کیفیت تصمیم‌گیری برای ازدواج ارتقا پیدا کند. او ازدواج را نه یک امر صرفاً شخصی که یک سرمایه‌گذاری برای آینده جامعه عنوان می‌کند و می‌گوید: «وعده معاونت، تلاش حداکثری برای کاهش موانع ساختاری، توسعه خدمات مشاوره و همسان‌گزینی وایجاد هماهنگی بیشتر میان دستگاه‌های مسئول است؛ چراکه به باور ما، حمایت از جوانان در این مسیر خطیر، اولویت اصلی بدنه مدیریتی معاونت امور جوانان محسوب می‌شود.»

> آموزش پیش از ازدواج یکی از مأموریت‌های اصلی و محوری معاونت امور جوانان است که به صورت مستمر از طریق شبکه مراکز تخصصی مشاوره ازدواج و خانواده در سراسر کشور اجرا می‌شود. در سال ۱۴۰۳ تعداد ۱۱ هزار و ۴۴۵ کارگاه آموزشی با مشارکت ۲۵۸ هزار و ۵۱۷ نفر از جوانان برگزار شد و در سال ۱۴۰۴ نیز ۱۱ هزار و ۵۱۶ کارگاه با حضور ۲۵۹ هزار و ۶۲۸ نفر تدارک دیده شد

واکاوی کاهش آمار ازدواج

امید به آینده کلید قفل ازدواج است

رشد تجرد قطعی در کنار کاهش نرخ باروری، ایران را به سمت یک گذار اجتماعی بی‌بازگشت سوق داده است. بسیاری این پدیده را صرفاً به تغییرات فرهنگی یا دگرگونی در نگرش جوانان نسبت می‌دهند. اما علی نوری، جامعه‌شناس مسائل خانواده و آموزش، نگاهی متفاوت به این چالش دارد. او اگرچه تغییرات فرهنگی را بی‌تأثیر نمی‌داند، اما عامل اقتصادی را موتور اصلی این کاهش عنوان می‌کند. نوری برای اثبات ادعای خود به یک برهه تاریخی اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «در مقطع زمانی امضای توافقنامه برجام، با وجود اینکه تغییرات زیربنایی آنی در اقتصاد رخ نداده بود، اما به دلیل افزایش امید به آینده، آمار ازدواج به شکل محسوسی رشد کرد. این اتفاق نشان می‌دهد که امیدواری نسبت به بهبود شرایط، حتی از خود ثروت لحظه‌ای، برای تصمیم به ازدواج حیاتی‌تر است.»

او استدلال می‌کند که جوانان برای شروع زندگی مشترک، وضعیت خود را با وضعیت خانه پدری مقایسه می‌کنند. نوری دراین باره می‌گوید: «جوانان تمایل دارند زندگی خود را در سطحی آغاز کنند که فکر کنند وضعیت بهتری نسبت به خانه پدری دارند. اگر جوانی در منزل پدری در یک خانه دوخوابه زندگی می‌کند، شروع زندگی در یک سوئیت کوچک، انگیزه‌ای برای او باقی نمی‌گذارد و ترجیح می‌دهد ازدواج را به تأخیر بیندازد.»

این پژوهشگر جامعه‌شناسی معتقد است که مسأله اصلی، فقر مطلق نیست، بلکه درک وضعیت نسبی است. او درباره اینکه چرا در جوامع به‌مراتب محروم‌تر، نرخ ازدواج بالاست، توضیح می‌دهد: «در آن جوامع، جوانان خود را با وضعیت جامعه خود و والدین‌شان مقایسه می‌کنند. بنابراین، وقتی جوان ایرانی تصور کند که وضعیت معیشتی‌اش پس از ازدواج نسبت به خانه پدری افول خواهد کرد، تصمیم‌گیری برای ازدواج به‌شدت دشوار می‌شود.»

نوری با اشاره به تفاوت میزان ازدواج در استان‌های مختلف می‌گوید: «در این زمینه قطعاً عوامل متعددی اثرگذار است؛ از جمله فرهنگ هر استان، مذهب، شرایط اقتصادی و ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی آن منطقه. به‌طور مثال، هرچه استان‌ها به تهران نزدیک‌تر می‌شوند، معمولاً تحت‌تأثیر فرهنگ کلان‌شهری قرار می‌گیرند و این موضوع می‌تواند بر کاهش فرزندآوری و همچنین تغییر الگوی ازدواج اثر بگذارد. در مقابل، در برخی استان‌های دورتر یا مناطق کمتر برخوردار، به دلیل تداوم بیشتر فرهنگ سنتی، سن ازدواج پایین‌تر است و میزان ازدواج هم بیشتر دیده می‌شود؛ مانند برخی استان‌ها از جمله سیستان و بلوچستان و بوشهر.»

بحران جمعیت از پیامدهای کوچک شدن خانواده‌ها

نوری با اشاره به پیوند ناگسستنی میان ازدواج و فرزندآوری در رفتار فرهنگی ایران، نسبت به پیامدهای افزایش سن ازدواج هشدار می‌دهد و می‌گوید: «هرچه تعداد ازدواج‌های رسمی کاهش یابد، بحران جمعیت بغرنج‌تر می‌شود. با روند فعلی کاهش ازدواج، این آمار در سال‌های آتی حتی شاید کمتر هم شود.» این جامعه‌شناس با ارائه آماری می‌گوید: «در سال ۱۴۰۴ شاهد کمتر از ۹۰۰ هزار تولد بوده‌ایم، در حالی که این رقم نسبت به ۳۰ سال گذشته، به یک‌سوم کاهش یافته است؛ یعنی از حدود ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار موالید در سال، به زیر یک میلیون رسیده‌ایم.»

نوری در تشریح تبعات این وضعیت، از دو منظر اقتصادی و اجتماعی نگاه می‌کند و توضیح می‌دهد: «کاهش جمعیت، شور و نشاط را از جامعه می‌گیرد و با کاهش نیروی کار فعال، چرخ‌های تولید اقتصادی را با چالش جدی مواجه می‌کند.» او به تغییر ساختار خانواده اشاره می‌کند و می‌گوید: «میانگین بعد خانوار در ایران که در دهه شصت بالای ۶ نفر بود، اکنون به حدود ۳.۲ رسیده است؛ این یعنی کوچک شدن بیش از حد هسته خانواده.» این پژوهشگر خانواده توضیح می‌دهد: «کوچک شدن بعد خانوار، فقط یک عدد نیست، این اتفاق به این معناست که فرزندان نسل آینده از حیث روابط اجتماعی و شبکه‌های حمایت فامیلی، دچار انزوا خواهند شد. فقدان پیوندهایی مثل خاله، عمه، دایی و عمو، نه تنها ساختار روابط عاطفی را تغییر می‌دهد، بلکه سرمایه‌های اجتماعی خانواده‌محور را در آینده‌ای نزدیک بشدت تحلیل خواهد برد.»

نوری درباره اقدامات دولت برای افزایش اعتماد جوانان به آینده اقتصادی می‌گوید: «مشوق‌های دولت برای ازدواج باید کافی و به‌طور مشخص متناسب با جامعه هدف در نظر گرفته شود. جامعه هدف، جوانانی هستند که شغل دارند و برای تأمین مسکن و فراهم کردن حداقل امکانات زندگی آماده هستند. افزایش مبلغ وام ازدواج می‌تواند به‌عنوان یک راهکار کوتاه‌مدت عمل کند، اما راه‌حل اصلی برای آنها نیست. راهکار اساسی، فراهم‌کردن زمینه اشتغال، تسهیل راه‌اندازی کسب‌وکار، مقابله با تورم و تدوین برنامه‌ای بلندمدت برای حمایت اقتصادی از ازدواج جوانان است. از سوی دیگر، باید به فضای فرهنگی و آموزشی هم توجه شود؛ یعنی آموزش‌های لازم باید به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده و صحیح ارائه شود تا جوانان، پیش از رسیدن به سن ازدواج، برای تشکیل زندگی آماده باشند. نظام آموزشی، بویژه در دوره‌های ابتدایی و متوسطه، باید علاوه بر انتقال محفوظات و اطلاعات، کارکرد تربیتی خود را هم ایفا کند و مهارت‌های زندگی و مهارت خوب زندگی کردن را به دانش‌آموزان آموزش بدهد.»

> راهکار اساسی، فراهم‌کردن زمینه اشتغال و تدوین برنامه‌ای بلندمدت برای حمایت اقتصادی از ازدواج جوانان است